

بیانیه‌ی کانون صنفی معلمان ایران
به مناسبت آغاز مهر ماه ۱۳۹۱ و پنجم اکتبر روز جهانی معلم

پنجشنبه ۶ مهر ۱۳۹۱ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲



به نام خداوند جان و خرد
بیانیه‌ی کانون صنفی معلمان ایران
به مناسبت آغاز مهر ماه ۱۳۹۱ و پنجم اکتبر روز جهانی معلم

بازگشایی مدرسه‌ها، آغاز دوباره‌ی دانش‌ورزی و دانش آموزی، و شکسته شدن سکوت تابستانی کلاس‌های درس است. حضور دانش آموزان و آموزگاران، زندگی بخش دوباره‌ی مدرسه‌ها، و نوید و نماد پویایی و سرزندگی جامعه است. مدرسه، سرآغازی است برای شناخت و اندیشیدن و زدودن نادانی‌ها، و زیستن در پرسش‌ها و جست و جوگری‌ها. ما آغاز مهر را به همه‌ی ایرانیان، به ویژه به دانش آموزان، دانشجویان، استادان و فرهنگیان گرامی تبریک می‌گوییم، و آرزومند کامیابی و سرافرازی همگانیم. همچنین بایسته است یاد کنیم از همه‌ی دانش آموزان عزیزی که در زلزله‌ی اخیر آذربایجان، جان خویش را از دست دادند؛ بی‌گمان یاد آنها، در کلاس‌های درس، همواره زنده خواهد ماند.

اما، روزهای نخست مهر، با مناسبتی جهانی نیز همراه است که بیش از پیش، بر "آموزشی" بودن این ماه و این روزها می‌افزاید. در سال ۱۹۹۴، یونسکو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، پنجم اکتبر، سیزدهم مهر را روز جهانی معلم نامگذاری کرد، که از آن سال تاکنون، این روز در مدرسه‌های بیشتر کشورهای جهان جشن گرفته می‌شود. البته روز جهانی معلم هر سال، با پیامی نیز همراه است، پیامی که یکی از مشکلات آموزش را نشانه می‌رود و یا به یکی از بنیادهای مهم آن اشاره می‌کند. "به سود آموزگاران موضع

بگیرید!" پیام سال ۲۰۱۲ روز جهانی معلم است که به روشنی، خواستار پشتیبانی همگان از آموزگاران شده است تا در پیکار معلمان برای دستیابی به جایگاه راستین اجتماعی - فرهنگی و شرایط اقتصادی فراخور شأن معلم، و همچنین شرایط استاندارد آموزش، یار و یاورشان باشند. ناگفته نماند که در ایران نیز، اکنون سال‌هاست که معلمان، با پیگیری روش‌های قانونی، و تشکیل نهادها و تشکلهای مدنی، خواستار بهبود وضع آموزش و دگرگونی در روش‌های نادرست متمرکز مدیریتی شده‌اند، همچنین در نقد شرایط بد اقتصادی و معیشتی زندگی خود و دیگر اقشار کم درآمد، مانند کارگران زحمت کش جامعه، اقدام‌ها نموده‌اند که متأسفانه در این راه، متحمل هزینه‌هایی نیز گردیده‌اند. اما هم اکنون بسیار خرسندیم که می‌بینیم افزون بر نهادهای آموزشی جهانی، جامعه مدنی، رسانه‌ها، شخصیت‌ها و فرهیختگان جامعه‌ی ایرانی نیز، به نقد وضعیت نابسامان زندگی و کاری اقشاری مانند فرهنگیان می‌پردازند و در دفاع از تلاش‌های آنها در مبارزه با فقر و تبعیض و مشکلات آموزشی، بلندتر و رساتر سخن می‌گویند.

این روزها حتی بسیاری از مسئولان حکومت و اشخاص تاثیرگذار دست اندرکار نیز، خواستار کنترل وضعیت نابهنجار اقتصادی کنونی شده‌اند و در اعتراض به گرانی و تورم افسارگسیخته، با مردم و اقشار کم درآمدی همچون فرهنگیان هم‌نوا گردیده‌اند. بی‌هیچ شک، در ایران کنونی، مشکلات اقتصادی بیداد می‌کند و جامعه و زندگی مردم را بیش از پیش با بحران‌های جدی فرهنگی و اجتماعی روبرو می‌سازد و البته خواهد ساخت. ما به عنوان بخشی از جامعه‌ی آموزشی ایران، این سرریز مشکلات اقتصادی را به گستره‌ی آموزش، با چشمان خویش می‌بینیم. آمار شگفت کودکان بازمانده از تحصیل، که شمارشان هم اکنون بیش از چهار میلیون برآورد می‌شود، کاهش تقریباً ده درصدی پوشش دانش آموزان دبیرستانی در ده سال گذشته، افزایش نارضایتی و بی‌انگیزگی معلمان، افزایش مشکلات اقتصادی مدارس، به ویژه مدارس مناطق فقیر، که با کاهش چشمگیر کمک‌های مردمی روبرو شده‌اند و حتی در پرداخت قبض‌های آب، برق، گاز و تلفن، با دشواری‌های فراوانی دست به گریبان‌اند، تنها بخش کوچکی از نابسامانی‌هایی است که مستقیم ریشه در همین شرایط اقتصادی آشفته دارد.

اما درد بزرگ دیگر آموزش ایران- که البته بارها از آن سخن گفته ایم- این است که آموزگاران در تصمیم‌گیری‌های آموزشی از کمترین نقش و جایگاهی برخوردارند و مدیریت سخت متمرکز آموزشی ایران، بی‌توجه به دیدگاه معلمان، هر روز تصمیمی تازه می‌گیرد و سیستم آموزشی ناکارآمد و کم‌کیفیت کنونی را، بیش از پیش، دچار بحران می‌سازد. شایسته است یادآور شویم که به همان اندازه که مدیریت دموکراتیک، بر انگیزه‌ها می‌افزاید و در را بر شکوفایی استعدادها می‌گشاید مدیریت متمرکز، نابودگر انگیزه و استعدادهاست. نمی‌توان با آموزگاران که هر روز شاهد تغییرات شتاب زده و کارشناسی نشده‌ی بی‌بنیادند، چشم به دگرگونی بنیادین دوخت. همین سیستم ۶-۳-۳ که در توجیه اش، هنوز هم هیچ برهان و دلیل محکمی ارائه نشده و حتی پیش از به اجرا درآمدنش، سخن از تغییر آن به ۳-۳-۳ می‌شود، و در حال حاضر، آموزش و پرورش را با مشکلات فراوانی دست به گریبان نموده، نشانی است از نادرست بودن تصمیم‌گیری‌های مدیریتی متمرکز از بالا به پایین.

کانون صنفی معلمان ایران، ریشه‌ی بسیاری از این شتاب زدگی‌ها و نابسامانی‌های گوناگون

پهنه‌ی آموزش را، مدیریت متمرکز ارزیابی می‌کند و نمی‌تواند تأسف ژرف خود را از شرایطی که بر آموزش ایران رفته و می‌رود بازگو نکند؛ شرایطی که روز به روز کودکان ایرانی را از آموزشی مدنی، علمی و دموکراتیک دورتر و بی‌بهره‌تر می‌سازد. امروزه آموزش و پرورش جهانی، رو به این دارد که حقوق مدنی همه‌ی دست‌اندرکارانش را پاس بدارد و هم در درون مایه و هم در فرآیند آموزش با مبنا قرار دادن حقوق بشر، که ریشه در اخلاق پسندیده و نیک انسانی دارد، به رشد همه‌ی ارکان آموزش بپردازد. ما برای ماوریم که آموزش و پرورش به سامان نخواهد شد مگر با شرکت راستین خانواده‌ها، آموزگاران، دانش‌آموزان، کارشناسان و جامعه مدنی فرهنگیان. به گمان ما کنشگران صنفی- فرهنگی، در بازتاب وضعیت واقعی آموزش و پرورش نقشی انکارناپذیر دارند. اینان کسانی هستند که در کلاس درس، مانند دیگر آموزگاران دلسوز، نگران آموزش درست دانش‌آموزان خویش‌اند و در بیرون کلاس، از سر انگیزه‌ی درونی و وجودی، و البته بی‌هیچ چشم‌داشتی، در نیرومندسازی گستره‌ی همگانی می‌کوشند.

در پایان تأسف خود را از زندانی بودن شماری از همکاران ارزنده مان اعلام می‌کنیم. رسول بدایق، از شهریورماه ۸۸ تاکنون در زندان است، بدون حتی یک روز مرخصی، و حتی بدون این که اجازه داشته باشد با خانواده و کودکان خردسال خود، ملاقاتی حضوری داشته باشد. محمد داوری نیز اکنون بیش از سه سال است که زندانی است و اجازه‌ی مرخصی نیافته تا خانواده و مادر سالخورده‌اش را از نزدیک ببیند. عبدالله مومنی و محمود باقری نیز از دیگر آموزگاران ارزنده‌ای هستند که متأسفانه در زندان بسر می‌برند و خانواده‌هایشان چشم به راه آزادی‌شان. ما خواستار این هستیم که این عزیزان و دیگر فرهنگیان دربند، که حتی برخی از آنها، بیش از نیمی از دوره‌ی محکومیت خویش را سپری کرده‌اند، آزاد شوند. بی‌گمان، آزادی این آموزگاران، می‌تواند بهترین هدیه‌ی آغاز مهر آموزش باشد.

کانون صنفی معلمان ایران

۵/۷/۹۱